

مژوی بر مهمترین علائم بیماری‌های اصلی (خاص) طحال

سعیده یارجو^{الف*}، اسماعیل ناظم^ب، سید امیر حسین امامی^ج، امید صادقپور^د

^{الف} دستیار طب سنتی ایران، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^ب استاد دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^ج دانشیار گروه خون و انکولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^د استادیار گروه گیاهان دارویی، موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، دانشگاه علوم پزشکی ایران

چکیده

سابقه و هدف: از دیدگاه طب سنتی ایران طحال جایگاه سودا است و با ایجاد اعتدال این خلط موجب استحکام بنیاد بدن و سختی اندام‌ها و صبوری افراد است. بنابراین به نظر می‌رسد که بررسی علایم بیماری‌های خاص طحال بتواند در روشن شدن نقش این ارگان در بیماری‌های متعدد مفید باشد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه بیماری‌های مختص به عضو طحال در تعداد ۱۰ عدد از کتب اصلی معالجات طب سنتی ایران دسته‌بندی و هر کدام از علائم مربوط به آنها مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: تعداد ۱۱۹ علامت شامل علائم عمومی مانند رنگ بدن، علائم گوارشی مانند تهوع، نبض، بررسی ادرار، علائم مربوط به اعراض نفسانی و ... یافت شد. از بین علائم فوق ۲۱ عدد در نوع بیماری خاص خود، دارای تواتر بیشتری در کتب بودند و از بین آنها علائمی چون اسهال، بی‌اشتهایی، و نفخ دارای بیشترین تکرار هستند.

بحث و نتیجه‌گیری: پژوهشگر با توجه به علائم پرتواتر در هر بیماری می‌تواند به علائم با اولویت بیشتر در هر بیماری بر اساس نظر اطبای طب سنتی پی ببرد. به نظر می‌رسد طحال به عنوان عضو موثر سیستم ایمنی بدن و نیز عامل حذف سلولهای فرسوده خونی، همچنین به عنوان یک عضو موثر بر فعالیت اعضای اصلی مانند کبد و معده و روده و... دارای اهمیت بسزایی در بسیاری از بیماری‌های اعضای فوق و نیز مواردی چون بحران‌ها، تغییر رنگ پوست، اختلالات اشتها، بی‌خوابی‌ها و ... باشد که در این صورت توجه به علائم این عضو در تشخیص و درمان بیماری‌های فوق کمک کننده است.

تاریخ دریافت: مهر
تاریخ پذیرش: آذر
۹۱

کلید واژه‌ها: طحال، طب سنتی ایران، اسهال، بی‌اشتهایی.

مقدمه:

تنظیم حجم پلاسمای هماتوپوئزیس شناخته می‌شود. البته همانطور که می‌دانیم هر یک از این فعالیت‌ها مربوط به یک بخش از طحال است به نحوی که این هماهنگی و تطابق در هیچ عضو دیگری دیده نمی‌شود (۱، ۲). در منابع طب سنتی ایران طحال به علت نقش آن در دفع سودا و اینکه جایگاه سوداست دارای اهمیت است، شاید بتوان گفت که در اکثر

امروزه بیماری‌های عضو طحال در رده شایع‌ترین بیماری‌ها نیست، در واقع عضو طحال به عنوان یک عضو سحرآمیز در ترتیب دادن و انجام فاگوسیتوز موثر اریتروسیت‌ها، وارد کردن دوباره آهن به چرخه، به دام انداختن و تخریب پاتوژن‌ها، القای ایمنی اکتسابی، مخزن سلولهای خونی و پلاکت‌ها،

فاخش داشته باشد، بویژه اگر این تغییر رنگ به سمت کمودت باشد طحال به احتمال زیاد درگیر است. همچنین طحال به دلیل مجاورت با اعضایی چون معده، حجاب، روده‌ها و نیز ارتباط با اعضایی چون کبد، کلیه‌ها و ... که از طریق صفاق یا از طرق دیگر برقرار می‌شود می‌تواند در عملکرد این اعضا نیز تاثیر بگذارد و تقریباً می‌توان گفت بیماری‌های عضو طحال منجر به بیماری در این اعضا و بالعکس بیماری‌های این اعضا منجر به اختلال در عملکرد طحال و به دنبال آن اختلال در تعادل خلط سودا در بدن می‌شود (۶، ۸، ۹).

امروزه رویکرد طب به بیماری‌های طحال یا بیماری‌هایی که به نحوی به طحال مربوط می‌شود با آنچه در طب سنتی ایران است در بحث مبانی بسیار متفاوت است، به نحوی که این تفاوت هنگام تشخیص و درمان بیماری‌ها به تفاوت‌های کلی در استراتژی درمان منجر می‌شود. در طب سنتی ایران بیماری‌های عضو طحال اصولاً شبیه به سوء مزاج‌های کبد است و سوء مزاج‌های آن نیز شبیه به علت اینکه شرافت عضو همچنین درمان‌های شبیه دارد؛ اما به علت اینکه شرافت عضو و جلالت طحال کمتر از کبد است، داروهای آن هم باید قویتر از داروهای کبد باشد (۳، ۶، ۸، ۱۰).

بیماری‌های مختص یا اصلی عضو طحال به ۲۱ دسته تقسیم می‌شوند که هر کدام دارای علائم مربوط به خود است. در این مقاله به شرح و بررسی این علائم پرداخته می‌شود.

مواد و روش‌ها:

در این مطالعه بیماری‌های خاص عضو طحال در ۱۰ عدد از کتب اصلی معالجات طب سنتی ایران شامل کتابهای قانون، اکسیر اعظم، معالجات عقیلی، شرح اسباب و علامات، طب اکبری، ذخیره خوارزمشاهی، هدایت المعلمین، الحاوی فی الطب، کامل الصناعه، الاغراض الطبیه و المباحث العلائیه مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به نوع علائم و تعداد تکرار آنها در این کتب دسته بنده شدند، به این ترتیب هر کدام از علائم که در کتب بیشتری تکرار شده‌اند و یا اینکه دارای زیربنای استدلالی بودند از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.

یافته‌ها:

بیماری‌هایی که ماهیت سودایی دارند، طحال به نحوی نقش بازی می‌کند. به عبارت دیگر سودا در طب سنتی ایران به عنوان رسوب یا دردی خون است که وظیفه برداشت آن از خون به عهده طحال و تعادل خلط سودا در بدن وابسته به عملکرد سالم طحال است، همچنین طحال سودا را به خود جذب کرده و طعم آن را به ترشی تغییر داده و غذای خود را از آن تامین می‌کند (۴، ۳).

همانطور که در متون طبی نگاشته شده است، عضو طحال به شکل زبان است و جایگاه آن سمت چپ معده بوده و کمی بر روی آن قرار گرفته است (۴، ۵). سمت مധب طحال به سمت پهلوهای پشت است، و از سمت مقعر طحال غشای آن بیشتر با غشای معده پیوستگی دارد (۴، ۵). طحال دارای بافت متخلخل است تا خلط غلیظ سودا بتواند در میان اجزای بافت آن وارد شود، همچنین رگها و شریانهای موجود در آن زیاد هستند تا حرارت از طریق این رگها به آن برسد، طحال هر روز جزئی از سودا را به معده می‌فرستد و به این ترتیب ترشی این سودا معده را تحریک کرده و موجب ایجاد اشتها برای غذا می‌شود (۴، ۵، ۶).

سید اسماعیل جرجانی در ذخیره می‌فرماید: "از یک سر سپر ز منفذی دراز کشیده است و اندر قعر جگر گشاده و طبیبان آن را گردن سپر ز گویند و آلت او اندر کشیدن سودا از جگر و آلت جگر اندر دفع سودا به سوی او این منفذ است و این منفذ اندر زیر منفذ زهره است که صفا بدان منفذ به زهره اندر شود و از باطن سپر ز منفذی دیگر اندر معده گشاده است و لختی سودای افزونی بدین منفذ به معده برآید و فم معده را بخارد." (۴).

به طور کلی تا وقتی که سودا مزاج معتدل دارد، بسیار سودمند است، زیرا سودای معتدل بنیاد همه بدن است و قوت و نیروی اندام‌ها و سختی استخوان‌ها و صبوری افراد به واسطه آن است. البته همانگونه که اعتدال مزاج طحال منفعت بسیار دارد، اگر از حال اعتدال خارج شود ضررها بسیار ایجاد شده و بیماری‌های سودایی ایجاد می‌کند (۴، ۶، ۷). به عبارت دیگر شاید بتوان گفت، در اکثر اوقات که فرد دچار بیماری‌های سودایی می‌شود، یا در مواردی که رنگ چهره و بدن تغییر

(حملیق) از جهت وجود تهیج ارزیابی شوند (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۵).

زبان: در مورد زبان در بیماری‌های طحال تمایل آن به سپیدی یا تمایل به رنگ سپید مایل به سریبی، یا زرد مایل به سیاهی، و یا تمایل رنگ زبان به سیاهی باید بررسی شود (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۵).

تب: تبی که در برخی بیماری‌های طحال عارض فرد می‌شود معمولاً تب سودایی یا تب بر دور ربع است که این تب ربع ممکن است به صورت نامنظم عارض شود. البته استثناءهایی نیز وجود دارد؛ به طور مثال در ورم گرم صفرایی، تب در بیمار بر دور غب عارض بیمار می‌شود. (۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

علائم گوارشی:

علائم گوارشی بیماریهای طحال شامل علائمی همچون تغییرات اشتها یا وجود عطش، نفخ، قراقر، آروغ و علائم فساد هضم (مانند تمدد دندها، غشیان، سوزش معده، بوی بد براز، آروغ غیر طبیعی) و ... است. همچنین وجود جراحت معده یا زخم روده نیز در بیمار باید بررسی شود. بیمار از نظر راحتی و اذیت شدن در هنگام گرسنگی و پری شکم ارزیابی شده و همچنین بررسی براز و نیز قی در صورت وجود در این بیماران انجام می‌شود (۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

براز: در بررسی براز مواردی چون بیوست، طبع نرم یا وجود شکم‌روش پیوسته، اسهال و بررسی آن از نظر مواردی چون سودایی بودن یا بی‌ترتیب بودن اسهال انجام می‌شود. همچنین براز از نظر وجود رنگهایی چون سفید، سفیدی مایل به کمودت (رصاصی) یا تمایل به سرخی و سیاهی، و یا وجود دردی یا رسوب در براز و نیز داشتن بوی بد ارزیابی می‌شود. (۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

قی: در صورتی که قی عارض بیمار شود آن را از نظر وجود اخلاط بویژه خلط سودا و نیز طعم بویژه طعم تلخ و رنگ بویژه رنگ سیاه و نیز وجود دردی و اجسام غریبه بررسی می‌کنند (۳، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

نپض:

علائم بیماری‌های اصلی طحال

بر اساس مطالعه‌ای که در تعداد ۱۰ عدد از کتب اصلی معالجات طب سنتی ایران انجام شد تعداد ۱۱۹ علامت از بیماری‌های مختص به طحال استخراج شد که این علائم به طور کلی به علائم مربوط به عضو طحال و معابین این عضو، و همچنین علائم دیگری شامل علائم عمومی بدن یا علائم مربوط به سایر اعضاء است، تقسیم می‌شوند (۱۱).

علائم مخصوص به عضو طحال:

این علائم شامل علائمی چون تمدد محل طحال در زیر دنده چپ، سوزش طحال، احساس التهاب در محل طحال، سنگینی موضع طحال یا احساس سبکی طحال، درد محل طحال هستند که توسط بیمار ابراز می‌شوند، همچنین برخی علائم این عضو که توسط معابینه مشخص می‌شود شامل بزرگی طحال، اتفاک آن، وجود بشورات در محل پوست محاذی طحال، ایجاد آروغ یا قراقر شکم پس از غمز طحال، گرمی یا سردی ملمس طحال، صلابت و نرمی یا جسائی و غلظ موضع طحال و سرخی رنگ پوست موضع طحال هستند که در بیماریهای طحال عمدتاً توسط بیمار عنوان شده یا در معابینه آنها توجه می‌شود (۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

علائم عمومی بدن:

رنگ چهره: در بررسی رنگ چهره بیمار، به رنگهایی چون زرد تیره که به سیاهی زند، رنگ تیره یا کمودت رنگ، رنگ سپید سریبی یا رصاصی، تمایل رنگ چهره به سپیدی باید توجه شود که البته هر کدام مربوط به یکی از بیماری‌های عضو طحال است (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

رنگ بدن: در بررسی رنگ بدن تمایل رنگ بدن به سرخی در ورم گرم دموی و زرد مایل به سیاهی در نوع صفرایی آن باید توجه شود (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

سحننه: در مورد بیماری‌های طحال بیشتر به لاغری و نحافت بدن در زمینه سحننه بیمار توجه می‌شود و در بررسی این علامت همیشه باید توجه داشت که آیا این علامت همراه سقوط اشتها است یا بدون آن است (۳، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

چشم: در بررسی چشم به مواردی چون تیرگی، یا سپیدی، یا زردی مایل به سیاهی سپیدی چشم توجه و نیز پلکها

**جدول شماره ۱: مهمترین علائم گزارش شده متواتر
بیماریهای طحال در کتب طب سنتی ایران**

ردیف	علامت	نام بیماری	تواتر در
۱	اسهال سودایی	ضعف قوه ماسکه	(+) ۷
۲	سقوط اشتها	ضعف قوه دافعه	(+) ۶
۳	نفخ و قرقر شکم	سوء مزاج سرد طحال	(+) ۶
۴	تمایل رنگ چهره به	ورم رخو بلغمی	(+) ۶
۵	امکان بروز یرقان سیاه	ضعف قوه جاذبه	(+) ۶
۶	عطش کمتر از ورم	ورم گرم دموی طحال	۶
۷	سوزش و التهاب	سوء مزاج گرم طحال	۶
۸	سقوط اشتها	سوء مزاج سرد طحال	۶
۹	ترهل بدن	سوء مزاج تر طحال	(+) ۵
۱۰	آروغ زیاد	سوء مزاج سرد طحال	(+) ۵
۱۱	سنگینی موضع طحال	سوء مزاج گرم و تر	(+) ۵
۱۲	نرمی طحال	سوء مزاج تر طحال	(+) ۵
۱۳	лагری و نحافت بدن	سوء مزاج خشک	(+) ۵
۱۴	میل فاروره به سرخی	سوء مزاج گرم طحال	(+) ۵
۱۵	میل برآز به سرخی که	سوء مزاج گرم طحال	(+) ۵
۱۶	تمایل رنگ بدن به	ورم صلب سودایی	۵
۱۷	تب بر دور ربع	ورم گرم دموی طحال	۵
۱۸	تب بر دور غرب	ورم گرم صفرایی	۵
۱۹	ورم و آماس طحال	ضعف قوه دافعه	۵
۲۰	تقدم ورم طحال	سده طحال	۵
۲۱	درد محل طحال	ورم گرم دموی طحال	۵

(+) این علامت نشانه‌ذهنی است که در کتب طب سنتی ایران برای این علائم سبب و دلیل عوایز شده است.

به طور کلی بیماری‌های مختص طحال، بدون توجه به بیماریهایی چون تقطیع، نفخه و حجاره آن، به سه دسته عمده شامل سوءمزاجها، اورام طحال و ضعف قوا این عضو تقسیم می‌شوند، و البته علائم این بیماریها به طور جداگانه قابل بررسی هستند، بطور مثال در اورام طحال علائم خاص طحال مثل سنگینی و بزرگی طحال و نیز درد که ممکن است از

بررسی نبض معمولاً از نظر سرعت، صلابت، صغیر، غلظت، اختلاف و انتظام آن بررسی می‌شود. به طور مثال در بیماری ورم صلب سودایی طحال، نبض بیمار سریع و صلب است (۳، ۶، ۱۰).

قاروره:

قاروره بیمار نیز از نظر رنگ که شامل میل به سرخی و سیاهی، سیاه بودن قاروره (اقلم مایل به سیاهی) یا سیاه شدن آن پس از فعالیت بدنی، سپیدی مایل به سبزی و تیرگی، رصاصی بودن، است و همچنین وجود یا عدم وجود رسوب یا وجود ریم و چرک، ریگ، و نیز غلاظت و صفائی بول، وجود نضج در بول، بدبویی آن، و داشتن حرارت در قاروره بررسی می‌شود (۳، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵).

علائم مربوط به اعراض نفسانی:

در بررسی اعراض نفسانی، بیمار از نظر علائمی چون سوءخلق، خباثت نفس، اندوه زیاد، خیالاتی شدن، هیجان غم، وسوس، اختلاط ذهن، بسیاری فرع و غم و نیز بهم خورده و بدحال شدن حال بیمار در برخی موارد، ارزیابی می‌شود. (۳، ۶، ۱۰).

سایر علائم:

علاوه بر علائم اختصاصی طحال که در فوق گفته شد علائم دیگری نیز در بیمار بسته به نوع بیماری این عضو ارزیابی می‌شود، این علائم شامل بررسی اعضای مشارک طحال، وجود تقطیع، ترهل بدن، تاکل اسنان و لثه، امکان ایجاد اورمهای سودایی در برخی اعضا، وجود یرقان سیاه و دیگر امراض سودایی، گرمی کف دست و پاها و زانوها و ساقها و قدمها، بررسی پوست از نظر کلف، بهق سیاه، جذام، جوش، قرحة، و نیز وجود دمل چرکی در ساق پا، ارزیابی تنفس، ضربان فاحش سرخرگ کاروتید، کمودت خون هستند، البته در مواردی نادر همچون بیماری حجاره طحال ریگ در بول یا خون بواسیر یا خون فصد نیز به ندرت دیده می‌شود (۳، ۴، ۵، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵).

از بین علائم بیماریهای طحال تواتر برخی علائم در متون کتب معالجات از همه بیشتر است که در جدول شماره یک به ۲۱ عدد از این علائم متواتر اشاره شده است.

بیماری که منجر به تشخیص قطعی شود حائز اهمیت بسیار است.

امروزه طحال را یکی از اعضای سیستم ایمنی بدن می‌دانند و در واقع ناحیه مرزی طحال (marginal zone) یکی از مناطقی است که آنتی‌ژنها را معرفی کرده و موجب تولید آنتی‌بادی در بدن می‌شود و مسئول ایمنی ذاتی و اکتسابی و همچنین پالپ سفید طحال نیز محدود به داشتن ایمنی اکتسابی است (۱۶). در مقالات علمی ثابت شده است که از دست دادن ماکروفاژهای ناحیه مرزی طحال می‌تواند سیر پیشرفت بیماریهای خودایمنی را سریعتر کند، به عبارت دیگر می‌توان گفت، ماکروفاژهای ناحیه مرزی طحال در مورد پاک کردن سلولهای مرده به منظور به حداقل رساندن واکنش ایمنی در برابر آنتی‌ژنهای خودی مرکزیت دارند (۱۷). شواهد موجود در کتب طب سنتی ایران حاکی از این است که طحال و عملکرد آن ارتباط نزدیکی با طبیعت بیمار و توان او برای غلبه بر بیماری‌ها دارد به طور مثال هر گاه سودا در خون بالا رفته باشد (خون غلیظ شده باشد) تغییرات نامطلوبی در سته ضروریه رخ می‌دهد و به تبع آن طبیعت ضعیف شده و در نتیجه بیماری بر بدن غلبه می‌کند. پژوهش در این مورد می‌تواند راهکارهای جدیدی در درمان بیماری‌ها، بویژه بیماری‌های مرتبط با این عضو، شرایط بحران در بیماری‌ها و حتی بیماری‌های مربوط به سیستم ایمنی ارائه دهد (۱۸). به عبارت دیگر شاید بتوان گفت در بسیاری موارد در برخی بیماری‌ها، بویژه بیماری‌های خودایمنی، تقویت سیستم ایمنی بدن از طریق عضو طحال، راهکار بهتری از سرکوب این سیستم است.

از سوی دیگر برخی بیماری‌های طحال دارای علائمی همچون تغییر رنگ پوست، بیخوابی، اختلالات اشتها، لاغری بدن و ... هستند که این علائم یا مستقیماً به واسطه تغییرات عملکرد طحال ایجاد می‌شوند و یا اینکه بیماری این عضو منجر به تغییرات خلط سودا یا اخلاط دیگر در بدن شده و علائم فوق را ایجاد می‌کند، به طور مثال هر گاه بزرگی طحال وجود داشته باشد به دلیل اینکه از یک سو طحال در این حالت خون بیشتری جذب می‌کند و غذای جسم کاهش می‌یابد و از سوی دیگر موجب سستی و وهن نیروی کبد و کاهش تولید

جانب چپ کشیده شده و تا ترقوه و شانه چپ امتداد یابد، بیشتر دلده می‌شود، همچنین تب و بقیه علائم خاص هر ورم نیز در اورام طحال مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالیکه در ضعف قوای طحال بیشتر علائم گوارشی مانند افزایش و کاهش اشتها، اسهال، جراحت‌ها و زخم روده و نیز امکان اورام سودایی در اعضای دیگر بدن ارزیابی می‌شود و نیز در سوءمزاجهای طحال علائمی مانند عطش، رنگ چهره و زبان، نبض و علائم مربوط به سوءمزاج خاص بیشتر بروز می‌کنند (۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۵، ۴).

بحث و نتیجه گیری:

علائمی که درباره بیماریهای طحال در کتب مختلف طب ایرانی یافت می‌شود متفاوت هستند یعنی تنها بخشی از این علائم در کتب به طور یکسان آمده است و بخشی از آنها دارای اختلاف هستند. تواتر یک علامت در کتب مختلف حاکی از آن است که این علامت به قدری شایع بوده که اطبای مختلف طی سالهای متعدد بر آن صحه گذاشته‌اند، بنابراین می‌توان گفت علامتی است که در تشخیص بیماری مربوطه دارای اهمیت بیشتر از سایر علامات است. از سوی دیگر برخی علامت‌ها در کتب با ذکر دلیل آنها عنوان می‌شوند، این امر نشان دهنده آن است که این علامت و پاتوفیزیولوژی آن از دیدگاه اطباء و بر اساس مبانی طب سنتی ایران کاملاً شناخته شده و قابل استناد و بدیهی است، شناخت سبب ایجاد علامت در یک بیماری، در بسیاری موارد راهکارهای سودمندی فراوری درمان بیماری قرار می‌دهد. همانگونه که قبلاً گفته شد بیماری‌های مختص طحال به چند دسته عمده تقسیم می‌شوند که شامل سوءمزاجهای اورام طحال، ضعف قوای این عضو و سایر بیماری‌های آن همچون تقطیح طحال، نفعه طحال، حجاره آن و ... هستند. برخی بیمارهای طحال دسته‌ای از علائم عنوان شده در فوق را بیشتر دارا هستند بطور مثال در اورام طحال اولویت با علائم خاص طحال مثل سنتگینی و بزرگی طحال و در ضعف قوای طحال بیشتر علائم گوارشی دلده می‌شود. بنابراین اولویت علائم مذکور در گرفتن شرح حال دقیق

اکتسابی و حذف گلوبولهای قرمز پیر و سلولهای بیگانه از جریان خون از نظر پزشکی امروز، (۱۶) تامین سلامت این عضو و پیشگیری از ایجاد بیماری در آن، می‌تواند منجر به عملکرد سالم و حفظ تعادل خلط سودا در بدن و نیز عملکرد بهتر اعضای مرتبط با آن شود. از سوی دیگر نقص عملکرد طحال بویژه در سالمندان، این افراد را مستعد عفونتهای استرپتوکوکی می‌کند و گاه ممکن است به دنبال ایجاد برخی بیماری‌ها یا ترومما به طحال تغییراتی در حجم این عضو یا حتی در گلوبولهای قرمز (مانند pitting) رخ دهد (۱۹). همه این موارد حاکی از این است که عضو طحال به عنوان یک عضو مستقل و تأثیرگذار در سلامت بیمار شایسته توجه بیشتری است.

خلط خون می‌شود، در فرد لاغری ایجاد می‌شود (۸) بنابراین یکی از اعضايی که در صورت وجود علائم فوق در بیماران باید به بیماری یا از بین رفتن تعادل آن توجه شود، عضو طحال است و چه بسا در برخی بیماری‌ها بتوان با تعديل و اصلاح عضو طحال به عنوان عامل بیماری به درمان کامل آن پرداخت. از سوی دیگر هرگاه قصد پژوهشگر در بیماری ویژه‌ای از طحال استناد به علامتی مهم در آن بیماری باشد، مسلماً علامتی که در بین اطبای طب سنتی ایران تواتر گزارش بیشتری دارد از همه مهمتر است و این مطلبی است که نویسنده مقاله بر آن تاکید زیاد داشته است.

به طور کلی باید گفت با توجه به نقش مهم طحال از دیدگاه طب سنتی ایران و همچنین نقش آن در ایمنی ذاتی و

References:

1. Handin R.I., Lux S.E., Stossel T.P. Blood, Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins, 2002, 1897-1901.
2. Reina E, kraal M., kraal G. Structure and function of the spleen, Nature Reviews Immunology, 2005; 5: 606 – 616.
3. ابن سينا، حسين بن عبدالله: القانون فى الطب، نسخه چاپ سنگي، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشكي، طب اسلامي و مكملي، تهران، صص: ٢٠٥ - ٢١٤ . ١٣٨٣
4. جرجاني، سيد اسماعيل: دخیره خوارزمشاهي، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، صص: ٤٥٩ - ٤٦٣ ، ١٣٥٥
5. مجوسی اهوazi، علی بن عباس: كامل الصناعة، ج. ١، مؤسسه احيائي طب طبیعی، قم، صص: ٣٢١ - ٣٨٧ . ١٣٨٥
6. نظام جهان، محمد: اكسير اعظم، ج. ٣، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشكي، طب اسلامي و مكملي، تهران، صص: ١١٥ - ١٧٢ ، ١٣٨٧ - ١٣٩٣
7. عقيلي علوی شضيراري، محمد حسين: خلاصه الحكمه، تصحيح: نظام، اسماعيل. ج. ١، اسماعيليان، قم، صص: ٣٣١ - ٣٣٣ . ١٣٨٥
8. رازى، محمد بن زكريا: الحاوی فى الطب، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد دکن، صص: ٣٢١ - ٢٧٦ ، ١٩٥٨
9. Moore K.L., Dalley A.F., Agur A.M.R. Clinically Oriented Anatomy, Lippincott Williams & Wilkins, 2010, 263-281.
10. عقيلي علوی شپيراري، سيد محمد حسين: معالجات عقيلي، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشكي، طب اسلامي و مكملي، تهران، صص: ٦٧٩ - ٦٨٨ . ١٣٨٧
11. بارجو، سعید: شرح و تفسیر بیماریهای خاص و مشارکتی عضو طحال در طب سنتی ایران، پایان نامه پی اچ دی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، در حال چاپ.
12. کرمانی، نفیس بن عوض: شرح الاسباب و العلامات، ج. ٢، انتشارات جلال الدین، مؤسسه احيائي طب طبیعی، قم، صص: ٥٩ - ٧٤ ، ١٣٨٧
13. جرجاني، سيد اسماعيل: الاغراض الطبيه والمباحث العلانيه، تصحيح وتحقيق: تاجخش، حسن، ج. ١ مؤسسه انتشارات و چاپ فرهنگستان علوم، تهران، صص: ٦٧٧ - ٦٨١ . ١٣٨٤
14. اخويني بخاري، ابوبكر ربيع بن احمد: هدايه المتعلمين في الطب، دانشگاه مشهد، مشهد، صص: ٤٧٠ - ٤٧٩ ، ١٣٧١
15. ارجاني، محمد أكبر: طب اكبری، انتشارات جلال الدین مؤسسه احيائي طب طبیعی، قم، صص: ٧٦٨ - ٧٧٨ ، ١٣٨٧
16. Schwandt T. et al. Expression of type I interferon by splenic macrophages suppresses adaptive immunity during sepsis, EMBO journal, 2012; 31 (1): 201 – 213.
17. McGaha T.L. Marginal zone macrophages suppress innate and adaptive immunity to apoptotic cells in the spleen, Blood Journal 2011; 3 (28): , 5403-12.
18. نظام، اسماعيل: طبیعت در پزشکی ایرانی، انتشارات آبز، تهران، صص: ٦٨ - ٦٩ . ١٣٨٩
19. Markus H.S., Toghill P.J. Impaired splenic function in elderly people, Age Aging 1991, 20(4): 287-90.